

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل ششم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل ششم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهار فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند بشوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

ایمانداری که به مشاوره مسیحی مراجعه کرده در این کتاب "ایماندار" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور مسیحی" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل ششم امید

امید تغییر یافتن

کلام خدا اهمیت زیادی را برای امید قائل است. در فصل سیزدهم قرن‌تیان، امید پس از ایمان نام برده شده است.

اول قرن‌تیان ۱۳

۱۳: و حال، این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگترینشان محبت است.

البته محبت مهم‌ترین است، چون وقتی ایمان تبدیل به بینش می‌شود و امید تحقق می‌یابد، محبت ادامه می‌یابد. اما امید نه تنها لازم است، بلکه در مواردی مهم‌تر از محبت می‌باشد. به عنوان مثال، در اول تسالونیکیان محبت در درجه دوم قرار گرفته چون نیاز کلیسای تسالونیک‌کی امید بود.

اول تسالونیکیان ۱

۳: و پیوسته در حضور خدا و پدر خود، عمل شما را که از ایمان ناشی می‌شود و محنت شما را که محرک آن محبت است و پایداری شما را که از امید به خداوندمان عیسی مسیح الهام می‌گیرد، به یاد می‌آوریم

از آن جایی که ایمان منشأ اعمال نیک است و زحمت و کوشش از محبت سرچشمه می‌گیرد، مقاومت و پایداری تنها از امید بدست می‌آید. چنین پایداری در دوران مشکل تغییر و تبدیل و شکست‌های اولیه، شدیداً لازم است. بدون داشتن امید، امکان ندارد تغییر و تبدیل کلام خدا صورت گیرد. در کلام خدا امید انتظار با اطمینان است. امید در کلام خدا کوچکترین تردیدی را همراه خود ندارد. اصطلاحی را در زبان فارسی داریم که می‌گوید "امیدوارم"، اما گویای امیدی است که همراه با شک و تردید نیز می‌باشد. منظور کلام خدا این نیست. در کلام خدا "امیدوارم" وجود ندارد. امید کلام خدا از جایی سرچشمه‌دمی‌گیرد که حقیقی و غیر قابل انکار است:

تیتوس ۲

۱۳: در حینی که منتظر آن امید مبارک، یعنی ظهور پرجلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خویش عیسی مسیح هستیم،

مشاور مسیحی باید نسبت به ایماندارانی که به او مراجعه می‌کنند کمال محبت را داشته باشد. تنها در این صورت می‌تواند امیدی که از خدا سرچشمه می‌گیرد را بازگو نماید. حتی در گرفتاری‌های زندگی نیز امید هست. مشاور باید توانایی ابراز حقایق کلام خدا (باز/تفسیر آیات) را داشته باشد تا امیدی که از خدا است ایجاد گردد.

لوقا ۲۴

۳۲: آنها از یکدیگر پرسیدند: «آیا هنگامی که در راه با ما سخن می‌گفت و کتب مقدّس را بر ایمان تفسیر می‌کرد، دل در درون ما نمی‌تپید؟»

او باید خود اطمینان داشته باشد که امید بهبودی در خدا موجود است، در غیر این صورت ایماندار خلاف آن را برداشت خواهد نمود. اطمینان بهبودی در خدا، شوق و ذوقی را ایجاد می‌کند که مسری است. وقتی خود در محبت ساکنید، و اطمینان نیز دارید که راه حل مسئله را در دست دارید، اشتیاق دادن راه حل بسیار خواهد بود.

رومیان ۱۵

۱۴: ای برادران، من خود این اطمینان را دارم که شما خود از نیکویی مملو، و از معرفت کامل برخوردارید و به پندگفتن به یکدیگر نیز تواناییید.

کلام خدا مشوق بسیار قوی است و چیزی کمتر از آن نخواهد توانست گناهی که ابعاد مختلف زندگی مردم را آلوده کرده از میان بردارد. اما ایمان به این حقیقت است که آن را بارور می‌کند. ایماندارانی که مأیوس و شکست خورده اند امیدشان را از دست داده اند و بر امید و اطمینانی که مشاور مسیحی دارد تکیه می‌کنند.

همه نیاز به امید دارند

گناه، زندگی همه را فرا گرفته و همه نیاز به امید دارند تا زندگی را ادامه دهند. ایمانداران نیز بدون امید نمی‌توانند زندگی کنند. بعضی مواقع شک و ناامیدی، مسائل و مشکلات زندگی را همراهی می‌کنند و مشاوران مسیحی یقیناً با چنین مسائل روبرو خواهند شد. تا زمانی که به مسائل امید رسیدگی نشده، معمولاً امکان ندارد به مسائل دیگر رسیدگی کرد. اگر به یاد آوریم، بلافاصله پس از سقوط از جلال، در میان داوری و تنبیه خدا امید را نیز داد:

پیدایش ۳

۱۵: و عداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم، او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه‌وی را خواهی کوبید.

در حالی که خدا رأی لعنت را می‌داد، وعده به دنیا آمدن آن که گناه را از میان می‌برد و لعنت آن را از میان می‌دارد را نیز داد. آنچه خدا انجام داد، ما نیز بعنوان مشاوران مسیحی باید انجام بدهیم. در انجیل دو نوع امید موجود است:

۱. بازگشت عیسی مسیح، و رستاخیز بدن، از میان رفتن گناه، درد، و اشک. این امید اصلی مسیحیان است. این امید کامل شدن مسیحیان می‌باشد. ولی امید مسیحیان تنها مربوط به آخرت نیست.
۲. امید برای حیات فراوان امروزه.

یوحنا ۱۰

۱۰: دزد نمی‌آید جز برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن؛ من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره مند شوند.

بدبختی که حاصل از گناه است می‌تواند از میان برود. ایماندار به عیسی مسیح می‌تواند زندگی آرام، راحت، و شباهت به عیسی مسیح را در این حیات داشته باشد. پس در زمانی که مسائل و مشکلات ناشی از گناه، زندگی ایمانداران را مختل ساخته، نیاز به داشتن امیدی که در انجیل وجود دارد ایجاد می‌شود:

کولسیان ۱

۵: اینها از امیدی سرچشمه می‌گیرند که در آسمان برای شما محفوظ است و بیشتر درباره‌اش از پیام حقیقت یعنی انجیل شنیده‌اید،

حال به ایماندارانی می‌پردازیم که امید زیادی را نیاز دارند.

مسائل خاصی که نیاز به امید دارند

ابتدا، اشخاصی که مدت زیادی است مسئله یا مشکلی را دارند نیاز به امید دارند. عیسی مسیح در خصوص کسی که نابینا به دنیا آمده بود، شفای بخصوصی را صادر نمود (فصل ۹ یوحنا). او از چیزی استفاده کرد. او با آب دهان و خاک روی زمین، گل ساخت و روی چشمان نابینا گذاشت، و سپس به او گفت به حوض سیلوحا برود و آن را شستشوی دهد.

یوحنا ۹

۱۱: پاسخ داد: «مردی عیسی نام، گلی ساخت و بر چشمانم مالید و گفت "به حوض سیلوحا برو و شستشوی کن." پس رفته، شستشوی کردم و بینا گشتم.»

عیسی مسیح به این شکل به آن مرد امید داد که اگر چنین کند چشمانش بینا خواهد شد. آیا عیسی مسیح نیاز به استفاده از شیعی یا چیزی را داشت؟ آیا قدرت او به دلیلی محدود بود؟ البته خیر. هر گاه عیسی مسیح از شیعی و یا چیزی استفاده می‌کرد، به خاطر آن بود که موضوع خاصی را می‌خواست به شخص مورد نظر یا دیگران (یا هر دو) نشان دهد. در این خصوص عیسی مسیح تنها با شخص نابینا سروکار داشت. این شخص در عمرش چیزی را ندیده بود. اگر زمانی نیز امید بر آن داشت که بینائی خود را بدست آورد، آن به پایان رسیده بود. هیچ کس نیز نبود که امید بینائی را برای کسی که کور به دنیا آمده بود داشته باشد. برای آن که امید را ایجاد کند، عیسی مسیح گل را ساخت و بر روی چشمان نابینا گذاشت. مرد بینا احساسی را بر روی پلک و چشمان خود کرد. او شاید به خود گفت، "شاید پس از شستن گلی که بر روی چشمانم هست بینائی خود را بدست آورم." او به همین خاطر سریعاً به جانب حوض حرکت کرد و پس از شستن، بینائی خود را بدست آورد. افراد دیگر چون این نابینا، که زمان زیادی را با مسئله ای گذراندند، به امید نیازمندند. واضح است که عیسی مسیح کار بخصوصی را در مورد شخصی که با مسئله خود مدت زمان طولانی را گذرانده بود انجام داد.

دوم، اشخاصی که مسئله بزرگی را دارند، نیازمند امید می باشند. با وجود آنکه هر ایماندارانی که مسئله یا مشکلی را دارد فکر می کند بزرگ است، بعضی مسائل بزرگتر از دیگران می باشند. ایماندارانی که مسئله قابل رویتیشان را پیچیده و مشکل می بینند، امیدی برای حل آن ندارند. خودشان ممکن است به طرق مختلف سعی کرده باشند آن را حل کنند و شکست خورده اند. این گونه افراد باید اطمینان به آن که در عیسی مسیح امید باقی است در دست گیرند. امید در قدرتی است که در کلامش می باشد و به هنگامی که روح القدس آن را بکار می برد.

رومیان ۱۵

۴: زیرا آنچه در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده تا با پایداری و آن دلگرمی که کتب مقدس می بخشند، امید داشته باشیم.

۱۳: اینک خدای امید، شما را از کمال شادی و آرامش در ایمان آکنده سازد تا با قدرت روح القدس، سرشار از امید باشید.

آن زنی که مشکل خونریزی داشت و اطبای بسیاری در مقابل مسئله او ناتوان بودند، نمونه خوبی است از کسی که نیاز به امید دارد. امید زمانی ایجاد می شود که ابتدا، اطمینان به وعده های خدا بوجود آمده باشد. پروین مدت ده سال نزد روانشناسان مختلف رفته بود و هیچ کدام نتوانسته بودند به او کمک کنند. وقتی نزد مشاور مسیحی آمد دو دل بود که گوش کند یا نکند. او زندگی خود را در جوار مسئله ای که داشت بنا ساخته بود و راه زندگی را همراه با وجود مسئله پیدا کرده بود، اما در ضمن فکر می کرد مشاور مسیحی بتواند کمکی به او بکند. در نتیجه ابتدا در برابر هر تغییری که لازم بود با شک روبرو شده و مقاومت می کرد. کشتی او با وجود آنکه تراوش می کرد، هنوز روی آب بود و غرق نشده بود. اما مشاور به او نشان داد که نهایتاً غرق خواهد شد. او فهمید که نباید مسائل و مشکلات زندگی را انکار کند و یا از آن ها فرار کند. اما همچنین راه حل مسائل را از طریق کلام خدا نشان داد و با این طریق امید را در او زنده کرد. سوم، کسانی که نصایح اشتباهی راجع به مسئله شان دریافت کرده اند نیاز به امید دارند. کسانی که به ایشان گفته شده بیمارند باید بفهمند که اشکال در جای دیگری است و نه بیماری که درمانی برای آن نیست. کسانی که از جانب روانشناسان لقب (۱) سکیزوفرنیا (schizophrenia) یا جنون (catatonic) گرفته اند معمولاً زندگی شان شکل آن را نیز می گیرد. این گونه افراد نیاز به درک ریشه مسئله خود دارند، تا امید دوباره در آن ها زنده گردد.

اگر بتوان نشان داد که این افراد مسائل دیگری را با موفقیت حل کرده اند و در نتیجه امکان موفقیت آینده برایشان کماکان موجود می باشد، برای ایجاد امید واقعی بسیار سودمند خواهد بود. بطور مثال، اگر در محیط کار و یا مدرسه توانسته اند رابطه خوبی را با دیگران ایجاد نمایند، در محیط خانوادگی نیز توانایی آن را خواهند داشت. وقتی شخصی توانائی کنترل اعصابش را در محیط کار یا مکان دیگری دارد، توانائی آن را در محیط خانواده نیز خواهد داشت. این موضوع هم جنبه بهانه جویی را دارد و هم جنبه امید.

چهارم، کسانی که با ترس مواجه شده اند نیاز به امید دارند. ترس امکان دارد شخصی را از کار بی اندازد و فلج کند. نیروی قوی می باشد که تنها با شناخت و بهره گیری از نیروی قویتر امید، می تواند از میان برداشته شود.

پنجم، کسانی که در مواردی مکرراً شکست خورده اند نیاز به امید دارند. امیدشان را به دفعات به کار برده اند و هر بار آسیب دیده اند. در نتیجه به بخشیدن امید به هر راه حلی بیمناک خواهند بود. ولی مشاوران باید در نظر داشته باشند که امید به گونه خام همیشه شامل حیات می باشد، و نسبت دادن آن به

هر موضوعی نیاز به سعی و کوشش دارد. آنچه نیاز به رسیدگی دارد ترس از شکست و صدمات حاصل از آن است. این افراد نیاز به درک طریق عمل خدا و نتیجه آن را دارند:

اول قرن‌تیان ۱۰

۱۳: هیچ آزمایشی بر شما نمی‌آید که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی‌دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه به وقت آزمایش، راه‌گزینی نیز فراهم می‌سازد تا تاب تحملش را داشته باشید.

امید های پایمال شده گذشته به خاطر مستقر بودنشان بر راه های اشتباه بوده. "خدا امین است"، و وعده هایش هیچ وقت با شکست روبرو نمی‌شود.

ششم، کسانی هستند که سعی و کوشش خود را کرده اند و شکست خورده اند. امید خواهند داشت ولی توئم با شک و تردید. ضمناً ممکن است گیج شده و نگران نیز باشند. ممکن است از خدا عصبانی و منزجر باشند. معمولاً پس از درک مواردی که باعث شکستشان شده، باید افکار و رفتارشان را به جانب توبه ایماندار هدایت کرد. این افراد را به دو نوع می‌توان تقسیم کرد؛ یا راه اشتباه را دنبال کرده اند، و یا راه درست را به طریق اشتباه دنبال کرده اند. نوع دوم معمولاً وقت و کوشش بیشتری را نیاز دارد. شاید راهی که دنبال کرده اند دعا بوده. بسیاری از فرم های "اطلاعات شخصی ایماندار" (۱) نشان می‌دهد که ایمانداران به دعا بعنوان نوشدار همه درد ها پناه برده اند. البته ایرادی از دعا نمی‌توان گرفت، و در حقیقت اگر دعایی صحیح بوده باشد باید مورد تشویق قرار گیرد (۳). ولی وقتی مسئله ایماندار پس از دعا، کماکان بر جای خود باقی می‌ماند، باید مسئله را دوباره پی‌گیری کرد. کلام خدا نمی‌گوید دعا نکنید، اما راهنمایی های دیگری را نیز کرده است. وقتی برای نان روزانه خود دعا می‌کنیم، بعد نمی‌نشینیم تا نان از آسمان بر دست هابمان ریخته شود. البته خدا می‌تواند اینگونه عمل کند (منا در صحرا را به یاد آورید)، ولی نگفته انتظار در دست آوردن آن را اینگونه داشته باشیم.

دوم تسالونیکیان ۳

۱۰: زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هرکه نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد.»

منظور این است که وقتی برای نان روزانه خود دعا می‌کنیم، از خدا می‌خواهیم امکان و قدرت بدست آوردن آن را بمانده دهد. اما بیشتر مسیحیان توجه نمی‌کنند که پس از دعا باید به کار و مسئولیتی که داده شده نیز پرداخت (۴).

همچنین افرادی هستند که کار صحیح را شروع می‌کنند ولی با کوچکترین مانعی منصرف می‌شوند. عمل را تا زمانی ادامه می‌دهند که طول زیادی نکشد و یا به مراحل سخت نرسند. می‌خواهند ظرف یکی دو روز چاه را زده به نفت برسند. به کندن خاک اکتفا می‌کنند، ولی وقتی به سنگ رسیدند، دست از کار بر می‌دارند. می‌گویند "ارزش این همه زحمت را ندارد". شاید سه متر بیشتر می‌کنند به مقصد می‌رسند.

اول تسالونیکیان ۱

۳: و پیوسته در حضور خدا و پدر خود، عمل شما را که از ایمان ناشی می‌شود و محنت شما را که محرک آن محبت است و پایداری شما را که از امید به خداوندمان عیسی مسیح الهام می‌گیرد، به‌یاد می‌آوریم.

امید واقعی "پایداری" را ایجاد می کند که به ایماندار صبر لازم را با وجود تأخیر و مشکلات می دهد. هفتم، سال مندانند که به امید نیازمندند(ه). بسیاری از آن ها فکر می کنند تغییر کردن از آن ها گذشته است. باید بدانند که کلام خدا هیچ محدودیت سنی برای پاکسازی نمی گذارد. در حقیقت خدا انسان را آن گونه ساخته که بزرگترین تغییرات را سالمندان متحمل می شوند. از دست دادن کار، سلامتی، و عزیزان بعنوان مثال، تغییرات بزرگی در زندگی انسان ایجاد می کنند. تنها کسی که بالغ شده، توانائی تحمل چنین تغییراتی را دارد. بالغ شدن در عیسی مسیح انسان را در برابر تغییرات قوی می کند، نه ضعیف. اگر ایمانداری در طول زندگی خود آموخته در تمام شرایط زندگی شاد باشد، باید توانائی بیشتری را به خرج دهد تا یک تازه ایماندار. در نتیجه می توان گفت، ایمان رشد یافته امید را ایجاد می سازد.

هشتم، کسانی که افسرده اند نیاز به امید دارند. با تشویق به انجام کار های عقب افتاده، و رسیدگی به گناهانی که زیر بنای آن را فراهم ساخته، امید در آن ها ایجاد خواهد شد. امید هیچ گاه از همدردی با کسانی که دلشان برای خود می سوزد ایجاد نمی شود. در خصوص چنین اشخاص، اعمال نه صحبت، امید را ایجاد می سازد.

نهم، کسانی که تمایل به خودکشی دارند نیاز به امید دارند. این اشخاص نهایت ناامیدی را دارند. باید افکار خودکشی این اشخاص را جدی گرفت و امکانات انجام چنین کاری را از دسترسشان برداشت. امید این اشخاص زمانی شکوفا می شود که شخصی به وضع آن ها و ناامیدی که دارند اهمیت بدهد(ه). با موافقت به آنکه چنین طریق زندگی ارزش ادامه دادن را ندارد، مشاور می تواند طریق زندگی تازه ای که در عیسی مسیح موجود است را برایشان افشا نماید.

دهم، کسانی که با مسائلی که زندگیشان را دگرگون کرده نیاز به امید دارند. غم و اندوه از دست دادن (۱) شخصی بخاطر مرگ، طلاق (۲) مال (۳) مقام، ممکن است نیازمند امید نمایند(و). سرانجام (البته این فهرست کاملی نیست)، کسانی که عیسی مسیح را نمی شناسند نیاز به امید دارند. برای این اشخاص امیدی جز عیسی مسیح وجود ندارد (رومیان ۸: ۲۴).

چگونه می توان امید داد

در خصوص تمام این اشخاص، کلام خدا کفایت ایجاد امید لازم را دارد. پولس در این رابطه چنین می گوید:

رومیان ۱۵

۴: زیرا آنچه در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده تا با پایداری و آن دلگرمی که کتب مقدس می بخشد، امید داشته باشیم.

جز از طریق کلام خدا زمینه ای برای امید وجود ندارد. به همین خاطر است که مشاوران مسیحی باید با آیات امید ساز کلام خدا به خوبی آشنا شوند(۸). یک راه امید ساز جدی گرفتن ایماندار است، خصوصاً در موقعی که صحبت از گناهش می کند. ممکن است در همان جلسه اول زنی بگوید، "فکر نمی کنم مادر خوبی بوده ام"، یا "همسر خوبی بوده ام". مشاوران مسیحی باید چنین حرف ها را جدی بگیرند. به هر حرفی که حاکی از نارضایتی از خود باشد باید اهمیت داد و هر یک را بازجویی کرد. هیچ موردی را نمی توان نادیده و یا دست کم گرفت(۹). وقتی مشاور با چنین حرف ها روبرو می شود فوراً مطلب را بر روی

کاغذ ثبت کرده و می گوید، "این موضوع مهمی است. همسر (مادر) مسیحی باید خوب باشد. برایم تعریف کنید چگونه همسر (مادر) بدی بوده اید".

از این سؤال دو گونه جواب حاصل می شود: اول، اگر زن می گوید همسر (مادر) بدی است چون می خواهد خود را روحانی نشان دهد بلا فاصله عقب نشینی کرده و خواهد گفت: "منظورم دقیقاً این نبود....". در این گونه موارد مشاور مسیحی خواهد دانست که با دورویی مواجه شده، نه صداقت و باید به آن نیز رسیدگی کند. اما در بیشتر مواقع جواب به شکل باز کردن مسئله و نشان داده اشکالات درون دل می باشد. نیلوفر دختر بیست ساله مسیحی بود، که خود را افسرده معرفی کرده بود. در فرم اطلاعات شخصی ایماندار (۱۰) نوشته بود، "من احمق، فاسد، زشت و از خود منزجرم". وقتی مشاور در جلسه اول آن را خواند، مادرش فاصله اعتراض کرده گفت، "به حرف هایش اهمیت ندهید. او دختر بسیار خوبی است. او در مسابقه جوانان کلیسا برنده شد و مجانی به اردو رفت". مشاور در جواب به مادرش گفت، "من هر وقت نظر شما را بخواهم از شما خواهم پرسید، و نیلوفر خانم خودش را می شناسد و وقتی می گوید من احمق، فاسد، زشت، و از خود منزجر هستم، هتماً دلیل خوبی را دارد". سپس رو به نیلوفر کرده و پرسید، "نیلوفر خانم، بمن بگویید چرا می گوید احمق هستید؟" "فسادی که در خود می بینید را تعریف کنید؟" "به چه دلیل فکر می کنید زشت هستید؟" "چه باعث شده از خود منزجر باشید؟" نیلوفر تا به حال سر به زیر بود، ولی وقتی مشاور مسیحی با سؤالات خود نشان داد که او را جدی گرفته، سر بلند کرد و متعجب ماند. در حقیقت بار اول بود که شخصی حرف های او را جدی گرفته بود، و سپس مانند سدی که شکسته شود مسئله خود را با تمام وجود افشا نمود.

جدی گرفتن نارضایتی که ایمانداران از خود دارند برای مشاور مسیحی اهمیت زیادی دارد. شاید ایماندار برای آزمایش چنین موردی را عنوان کند تا ببیند عکس العمل مشاور چگونه است. باید گوش به زنگ بود تا اعتبار لازم در جلسات اولیه مشاوره برقرار شود.

در رابطه با مسئله زنا، شخصی که بی تقصیر است مشکل می تواند به آن که تقصیر کار است مجدداً اعتماد کند. با این وجود، پس از برقرار شدن صلح و آشتی، امید زود ایجاد می شود اگر شخص تقصیر کار عملاً نیت خود را نشان دهد. چون حرف های متخلف در گذشته بی اعتبار بوده، نمی توان به حرف او اکتفا کرد. حرف او باید عمل را دنبال داشته باشد تا مورد قبول واقع گردد. آنچه با زبان نمی توان نشان داد را باید در عمل نشان داد. وقتی چنین شخصی با اعمال خود گواه تغییر واقعی در خود را نشان دهد، آن وقت می توان قبول داشت که توبه واقعی صورت گرفته است.

متی ۳

۸: پس ثمری شایسته توبه بیاورید

نشانه کوشش در جانب داری از راه خدا ارزش بسیاری دارد. مشاور مسیحی باید تکالیفی را به شخصی که بخشش را دریافت کرده بدهد تا امکان اثبات توبه واقعی خود را داشته باشد. اگر بتوان تکالیف را مربوط به هر یک از مسائل رسیدگی شده طرح کرد، امید بیشتری را برای بخشنده و آن که بخشیده ایجاد خواهد کرد.

قدردانی از کوشش های واقعی در انجام تکالیف نیز مشوق خوبی است و امید را شکوفا می کند. عیسی مسیح نیز تشویق و قدردانی می کرد:

لوقا ۱۹

۱۷: به او گفت: "آفرین، ای خادم نیکو! چون در اندک امین بودی، حکومت ده شهر را به تو می سپارم."

قدردانی از انجام صحیح کار های محول شده تشویق و امید زیادی را ایجاد می کند. وقتی متوجه شناخت و قدردانی دیگران می شویم تشویق به انجام کار هاب بیشتتری می شویم. در خلاصه، متوجه شدیم که ایمانداران احتیاج دارند زندگیشان معنی داشته باشد، و نیاز به امید دارند. مشاوران مسیحی باید این دو موضوع را در صدر جلسات اولیه قرار دهند

فهرست زیر نویس های فصل ششم

- (۱) استفاده از لقب هایی که مطابق با کلام خدا نیستند ضرر بسیاری دارند. کسی را بیمار روانی، عصبی، عصبی روانی، یا جنون، خطاب کردن خطرناک است و باید از زبان حذف شود. مسائل انسان را خدا در کلامش طبقه بندی کرده و نباید خارج از آن شد.
- (۲) فرم "اطلاعات شخصی ایماندار" را در (http://www.farsinet.com/moshavereh_masihi) و (<http://www.moshaver.info>) می توانید مشاهده کنید.
- (۳) ایمانداران باید درک کنند که خدا همه نوع دعا را نمی شنود. یعقوب در رساله خود می گوید، "آنگاه نیز که درخواست می کنید، نمی یابید، زیرا با نیت بد درخواست می کنید تا صرف هوسرانیهای خود کنید" (یعقوب ۴: ۳). دعا شرط خود را دارد (اول یوحنا ۳: ۲۲؛ ۵: ۱۵؛ یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴؛ یعقوب ۵: ۱۶).
- (۴) حرف تنها کافی نیست و می تواند بر ضد ایماندار عمل کند. مسائل انسان را نباید تنها نام داد، بلکه نام مسائل را باید همراه نقشه رسیدگی به آن ها اعلام نمود. فکر و نظر انسان راجع به مسائل کافی نیست و کاری را انجام نمی دهد. عمده اجرای نقشه رسیدگی به آن ها است.
- (۵) برای سال مندان، سن نیست که اشکال را ایجاد می کند، بلکه شکست روابط و ترکیب زندگی روزانه آن ها است.
- (۶) اشخاصی که تمایل به خودکشی دارند معمولاً خود را داخل معمای غیر قابل حل می بینند. نتیجه مسئله خود را در دو بعد این یا آن می بینند. اما معمولاً همان گونه که عیسی مسیح به فریسی نشان داد، راه سومی نیز موجود است (متی ۲۲: ۲۳ تا ۳۳).
- (۷) امید در غم و اندوه بر عکس یاس است. غم و اندوه طبیعتاً انسان را به یاس و ناامیدی میرساند، ولی امید توازن صحیحی را در غم و اندوه ایجاد می کند (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳؛ عبرانیان ۶: ۱۸ و ۱۹). امید لنگری است که غم و اندوه را مهار می کند.
- (۸) جزوه "مسیح و مشکلات شما" برای همین خاطر به زبان فارسی ترجمه شده و در دسترس مشاوران قرار گرفته است. این جزوه که مربوط به اول قرن نهم تا ۱۰: ۱۳ می باشد، امید را با مسئولیت در برابر خدا ایجاد می نماید. این جزوه معمولاً در خاتمه جلسه اول به ایماندار داده می شود. (این جزوه به زبان فارسی ترجمه شده است)
- (۹) نمونه های دست کم گرفتن: "مریم خانم این حرف را نزنید، شما مادر خوبی هستید؛" "اوضاع آنقدر ها بد نیست؛" "فراموش نکنید که باید در هر حال خدا را شکر کنید؛" "آنقدر خود را ملامت نکنید؛" "در عوض به جوانب مثبت زندگی بنگرید؛" "نه برادر عزیز، خود را کوچک نکنید."
- (۱۰) این فرم را در (http://www.farsinet.com/moshavereh_masihi) و (<http://www.moshaver.info>) می توانید مشاهده کنید.